

امکان‌سنجی تطبیق عنوان محاربه بر قاچاق مسلحانه مواد مخدر

(با نگاهی به ماده ۱۱ ق.م.خ)

چکیده

هدف: با توجه به اینکه کشور ایران در همسایگی بزرگترین تولیدکننده گان مواد مخدر یعنی افغانستان و پاکستان قرار دارد، همواره مورد توجه قاچاقچیان مواد مخدر بوده است، که برخی از آنها به صورت مسلحانه اقدام به ورود، توزیع یا عبور مواد مذکور می‌نمایند. بر این اساس قانونگذار مجازات قاچاق مسلحانه مواد مخدر را در ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر صراحتاً حکم اعدام مقرر نماید؛ لذا هدف از پژوهش پیش رو، پاسخ به این پرسش اصلی است که، چنانچه ما اعدام تعزیری را به جد قابل مناقشه بدانیم، آیا می‌توان قاچاقچی مسلحانه مواد مخدر را زیر عنوان محاربه محکوم به اعدام بدانیم؟! لذا، در یک نگاه کلی با لحاظ دو نهاد کیفری تفسیر مضیق و به نفع متهم، که مبتنی بر سیاست کیفری و بر پایه حدیث "تدرء الحدود بالشبهات" است، قاچاقچی مواد مخدر مسلح را، مطلقاً به عنوان محارب تلقی کردن، قابل مناقشه است. **روش:** پژوهش حاضر بر اساس روش، توصیفی-تحلیلی و از لحاظ گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. **یافته‌ها:** یافته این پژوهش نشان می‌دهد، حداقل هشت صورت برای این نوع قاچاق قابل تصور است که صورت اول و پنجم با توجه به تحقق همه شروط جرم محاربه، قاچاقچی مسلحانه مواد مخدر را می‌توان در حکم محارب تلقی کرد، صورت دوم، سوم، ششم و هفتم اختلافی است و در صورت چهارم و هشتم به علت نبود دو رکن اساسی قصد اخافه و ناامنی محیط قطعاً قاچاقچی مسلحانه مواد مخدر محارب محسوب نمی‌گردد. زیرا هیچ یک از فقهاء صرف حمل و یا کشیدن سلاح را علت تامه تحقق جرم محاربه نمی‌دانند. نتیجه گیری: نتیجه این تحقیق بر آن است که، قانونگذار محترم صور مطرح شده در این پژوهش را مد نظر قرار دهد و متناسب با آن نسبت به تدوین قانون اقدام نماید.

واژگان کلیدی: محاربه، قاچاق، مواد مخدر، مسلحانه، ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر

کشور ایران برای مبارزه با مواد مخدر تا کنون جانباختگان زیادی از نیروهای نظامی و امنیتی داشته است، چرا که قاچاقچیان مواد مخدر، با توجه به توان مالی و ارتباط با مافیای مواد مخدر برای رسیدن به هدف خود، و برای مقابله با نیروهای حافظ امنیت و سلامت جامعه بشری از مدرن ترین سلاح‌ها بهره گرفته، در داخل و خارج شهرها درگیری‌هایی را صورت داده اند. قانونگذار نظام جمهوری اسلامی ایران، مصادیق مختلف و متعددی از اعمال و رفتارهایی که محلّ و تهدید کننده امنیت می باشد را به عنوان یک پدیده مجرمانه، معرفی و مجازاتهای متناسب و در برخی موارد بسیار شدیدی را در نظر گرفته است، که یکی از این رفتارهای پرخطر قاچاق مسلحانه مواد مخدر می باشد. قانونگذار، مجازات این جرم را در ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر (به عنوان قانون خاص) این گونه مقرر کرده است: مجازات اقدام به قاچاق مواد موضوع این قانون به طور مسلحانه **اعدام** است ... آنچه که از ظاهر این ماده می توان استنباط کرد و ماده ۲۸۱ ق.م.ا نیز به آن اشاره دارد^۱ این امر است که، مجازات مقرر در این ماده از جهت مسلحانه بودن قاچاقچی، صدق عنوان محارب باشد نه مقدار و کیفیت مواد مخدر! حال سؤالی که در این زمینه وجود دارد این است که با توجه به تعریفی که از جرم محاربه در ماده ۲۷۹ ق.م.ا^۲ ارائه شده و قید مسلحانه که در ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر بیان گردیده، **[آیا برای قاچاقچی مواد مخدر که در برخی موارد، سلاح حمل می کند و حتی بر علیه نیروهای امنیتی و انتظامی و در برخی موارد علیه مردم از آن اسلحه استفاده می کند، عنوان محارب صدق می کند تا از این جهت مجازات اعدام برای او قابل توجیه باشد؟]** پیش از پاسخگویی، لازم و ضروری است که صور و شرایط تحقق جرم محاربه و قاچاق مسلحانه مواد مخدر مورد مذاقّه قرار گیرد، تا نقاط اشتراک و افتراق

^۱. راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند.

^۲. محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.

هر یک از این دو جرم به خوبی معلوم و روشن گردد. برای پاسخ به این سؤالات صور مختلف وقوعی را مورد بررسی می‌دهیم. به عبارت دیگر با لحاظ رابطه سه متغیر تجرید سلاح، قصد آخافه و ایجاد ناامنی، صورتهای زیر به وقوع می‌پیوندد:

۱- قاچاقچی مواد مخدر در شهر سلاح می‌کشد و قصد آخافه را نیز دارد و به دنبال آن محیط ناامن می‌شود.

۲- قاچاقچی مواد مخدر در شهر سلاح می‌کشد و قصد آخافه را نیز دارد اما محیط ناامن نمی‌شود.

۳- قاچاقچی مواد مخدر در شهر سلاح می‌کشد اما قصد آخافه مردم را ندارد و به طور اتفاق محیط ناامن می‌شود.

۴- قاچاقچی مواد مخدر در شهر سلاح می‌کشد اما قصد آخافه ندارد و محیط هم ناامن نمی‌شود.

۵- قاچاقچی مواد مخدر در خارج از شهر سلاح می‌کشد قصد آخافه دارد، و به واسطه اخبار محیط نیز ناامن می‌شود.

۶- قاچاقچی مواد مخدر در خارج از شهر سلاح می‌کشد و قصد آخافه مردم را دارد اما محیط ناامن نمی‌شود.

۷- قاچاقچی مواد مخدر در خارج از شهر سلاح می‌کشد و قصد آخافه را ندارد اما بواسطه اخبار محیط ناامن می‌شود.

۸- قاچاقچی مواد مخدر در خارج از شهر سلاح می‌کشد و قصد آخافه را ندارد محیط نیز ناامن نمی‌شود.

ملاحظه این تفصیلهای نسبتاً دقیق هم به لحاظ موضوع‌شناسی و هم بار کردن حکم و رأی قضایی سودمند خواهد بود.

پیشینه پژوهش

در بررسی به عمل آمده پژوهشهایی پیرامون حکم اعدام در قانون ایران برای جرایم مواد مخدر صورت گرفته و چون پژوهش حاضر با سایر پژوهشهایی که در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر تفاوت ماهوی دارد لازم است به تعدادی از آنها اشاره گردد.

۱. مقاله ای با عنوان "مبانی فقهی-حقوقی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر" نویسندگان در این مقاله ماهیت مجازات اعدام را در جرایم مواد مخدر بررسی کرده اند و معتقدند توجیه مجازات اعدام در قالب افساد فی الارض و تعزیر شرعی، فاقد وجهت شرعی و غیر منطبق با موازین اسلامی است و تنها راه باقیمانده در توجیه این مجازات شدید حکم حکومتی و رعایت مصلحت جامعه است (بیاد، ۱۳۹۲).

۲. مقاله ای با عنوان "مبانی فقهی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر" نویسنده در این مقاله ماهیت اعدام در جرائم مواد مخدر را با هدف تبیین این که مجازات اعدام در این جرایم، حدی است و یا تعزیری و یا از احکام حکومتی است، مورد بررسی قرار داده است. نتیجه این پژوهش نشان می دهد، در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، ماهیت اعدام در جرایم مواد مخدر کمتر از ۵ کیلوگرم تعزیری و در بیشتر از ۵ کیلوگرم، از آنجا که مصداق افساد فی الارض شمرده می شود، از مصادیق جرم حدی است. اما در فقه اهل سنت اعدام در این نوع جرایم، تنها تحت تعزیرات سیاسی و حکومتی جایز است (حیبی تبار، ۱۳۹۳).

۳. مقاله ای با عنوان "بررسی ماهیت مجازات اعدام در جرایم قاچاق مواد مخدر" که در فصلنامه مطالعات مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. در این مقاله نیز، ماهیت اعدام در جرایم مواد مخدر را مورد قرار گرفته، و در این راستا سه دیدگاه اختلافی مطرح شده است. نویسنده در این پژوهش به تجزیه و تحلیل نظرات موجود یعنی، تعزیری، حدی و حکم حکومتی بودن مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر پرداخته است. نظر مختار این است که، از آنجا که قانونگذار در ماده ۱۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲

مجازاتهای تعزیری را متذکر شده، اما مجزات اعدام را بیان ننموده است، این مجزات جنبه تعزیری دارد. (حسین آبادی، ۱۳۹۴).

۴. پژوهشی با "عنوان نقدی فقهی بر تعیین مجزات اعدام در جرایم مواد مخدر" توسط عباس کلانتری و نویسندگان صورت گرفته است. پژوهشگران در این پژوهش با بیان مبانی فقهی و حقوق مجزات اعدام در جرایم مواد مخدر به نقد آن پرداخته اند، و در پی اثبات این مطلب هستند که، مجزات در جرایم مواد مخدر تعزیری است و تعیین اعدام در این جرایم پشتوانه فقهی محکمی ندارد و باید اصلاح گردد. (کلانتری خلیل آبادی، ۱۳۹۷)

۵. "مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران بر اساس موازین حقوقی بین المللی بشر، حذف یا ابقاء". در این پژوهش نویسنده به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا سیاست کیفری ایران در این گونه جرایم بر اساس موازین حقوق بین الملل بشر است یا خیر؟ نتیجه این است که، مجزات اعدام در نظام حقوقی ایران با تعهدات بین المللی و حقوق بشری منطبق نیست و حذف آن ضرورت دارد. (صلح جی، ۱۳۹۷)

استقراء در پژوهشهای صورت گرفته نشان می دهد که محور بحث در همه آنها یا در بیان ماهیت مجزات اعدام در جرایم مواد مخدر است و پژوهشگران درصدد توجیه آن بر آمده اند، و یا در جهت بیان و اثبات عدم وجاهت فقهی آن می باشند. اما پژوهش حاضر با صرف نظر از این که ماهیت اعدام در جرایم مواد مخدر چیست و یا اینکه آیا دارای مبنا و وجاهت شرعی است یا خیر، صرفاً به بررسی میزان تعامل ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر با نهاد محاربه می پردازد و از آنجا که در این ماده قید "مسلحانه" به کار رفته است، سعی دارد با تصویر صور مختلف برای قاچاق مسلحانه مواد مخدر و مقایسه آن با شرایط نهاد محاربه در فقه و قانون مشخص نماید که چه صوری از این نوع قاچاق، می تواند مصداق محاربه قرار گیرد و کدام موارد قابل انطباق نیست و برای حکم آنها باید به نهادهای دیگر حقوقی مراجعه کرد.

مفهوم شناسی جرم محاربه

محاربه از ماده "حرب" گرفته شده و نقیض آن کلمه سِلْم به معنای آرامش و صلح می باشد(فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳، ص ۲۱۳) حرب در معنای دشمنی(ر.ک ابن منظور، ۱۴۰۵، ۱، ۱۰۰) ستیز و جنگیدن^۳ به کار رفته است. در ادبیات عرب محاربه مصدر باب مفاعله و "حَارَبَ" به معنای سلب و غارت کردن چیزی است و جمع آن "حروب" می باشد(ر.ک معلوف، ۱۳۶۴، ذیل واژه حرب) ابن منظور نیز در این باره می نویسد: "حرب" نقیض "سلم" است و سلم نیز به معنای سازگاری است که نقیض آن (حرب) به معنای ناسازگاری می باشد که گاهی به صورت غضب، گاهی به صورت ربودن مال و زمانی نیز به صورت جنگ و درگیری نظامی محقق می شود.(ر.ک ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۰۲). در معنای محارب گفته شده: و محارب به معنای جنگجو، یعنی آن کسی که در جنگ شرکت می کند و مراد از محاربین نیز کسانی هستند که سلاح به دست می گیرند و ناامنی ایجاد می کنند(یاغی)، خواه درون شهر باشد یا بیرون از شهر(ر.ک طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۹۸ و قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۱۴). از آنچه ذیل واژه حرب(دشمنی، جنگیدن) بیان شد این مهم حاصل می گردد که، اگر چه برخی لغویان واژه حرب را در معنای جنگیدن، و برخی نیز آن را در نقیض سلم به معنای آرامش به کار برده اند، اما کاربرد هر یک از این معانی، ملازمه دارد با ناامنی و اضطراب، بنابراین این گونه نیست که واژه حرب الزاماً در معنای جنگیدن و دشمنی به کار رود، بلکه به معنای مطلق ناسازگاری می باشد و البته آن ناسازگاری منظور است، که اضطراب و ناامنی شدید محیط زندگی را به دنبال داشته باشد و جنگیدن یکی از مصادیق آن بشمار می رود.

بررسی شروط تحقق جرم محاربه

^۳ - در قرآن "حرب" به معنای جنگیدن و کارزار به کار رفته: فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ(بقره/۲۷۹) وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ(توبه/۱۰۷) فَأَمَّا تَتَّفَعَتْهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدَّكُرُونَ(انفال/۵۷).

فقهاء در تحقق جرم محاربه شرایطی را ذکر کرده اند که اگر چه تا حدودی اختلافاتی مشاهده می شود؛ اما اکثریت آنان در شرط دانستن **تجرید سلاح به قصد اخافه** متفق القولند: «المحارب، کل من جرّد السلاح لاخافه الناس» (محقق حلی، ۱۹۸۳: ۴، ۱۸۰ / نجفی، ۱۳۶۸: ۴۱، ۵۶۴ / ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۳، ۵۰۵ / فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۵۱ / حلی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۹۲ / عاملی، ۱۴۱۷، ج ۲ ص ۵۹ / طوسی، ۱۴۰۸، ج ۱، ۲۰۶). شهید ثانی نیز اگر چه در کتاب روضه البهیة، صرف کشیدن سلاح را در تحقق جرم محاربه کافی می داند و می نویسد: فی المحاربة، وهی تجرید السلاح برا أو بحرا، لیلا أو نهارا، لا خافه الناس فی مصر وغیره، من ذکر أو أنثی، قوی أو ضعیف، من أهل الریبة أم لا. قصد الإخافه أم لا علی أصح الأقوال، لعموم الآیة (مائه، ۳۳) (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۲۹۰) اما در کتاب مسالک الإفهام از این قول خود عدول کرده و تجرید السلاح و اخافه للناس را شرط تحقق جرم محاربه می داند (شهید ثانی، بی تا، ج ۱۵، ص ۵). شیخ الطائفه در کتاب «المبسوط» می نویسد: «و الذي رواه أصحابنا أن المراد بها كل من شهر السلاح و أخاف الناس فی بر كانوا أو فی بحر، و فی البیان أو فی الصحراء» (ر.ک طوسی، ۱۳۹۳ق، ج ۸: ۴۷) وی در این منبع محاربه را به معنای سلاح کشیدن برای ترساندن مردم، بیان کرده است اما ایشان در کتاب «خلاف» آورده است: المحارب الذي ذكره الله تعالى فی آیه المحاربة، هم قطع الطريق الذين يشهرون السلاح، و يخيفون السبیل» (ر.ک طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۴۵۷) همچنین ایشان در کتاب «النهايه» می نویسد: «همانا محارب کسی است که از اهل ریبه باشد و سلاح بکشد چه در شهر و چه در غیر شهر، چه در سرزمین شرک و چه در سرزمین اسلام، چه شب و چه روز و در هر وقتی و در هر جایی، هر کس این کار را انجام دهد محارب محسوب می شود.» (ر.ک طوسی، ۱۳۶۲ش: ۴۹۰). در این تعریف منظور از «ریبه»، افراد غارتگر و سارق می باشد که سلب و غارت اموال را به دنبال دارد و همچنین در تعاریفی که از شیخ الطائفه ارائه شد، علاوه بر این که ایشان محاربه را به سلاح کشیدن به قصد ترساندن مردم و سلب امنیت آنان تعبیر کرده است، معنای آن را به همه افرادی که در بیرون یا داخل شهر مرتکب

این عمل می شوند، سرایت می دهد. ایشان صرف اسلحه کشیدن را محارب تلقی نمی کند؛ بلکه طبق فرمایش ایشان هر گاه تجرید سلاح هراس، ترس و سلب امنیت را به دنبال داشته باشد آنگاه محاربه محقق می گردد. امام خمینی (ره) نیز علاوه بر تجرید سلاح و قصد اخافه، اراده فساد در زمین را در تحقق جرم محاربه شرط می داند و می نویسد: «المحارب هو كل من جرّد السلاح او جهّزه لاخافه الناس و اراده الافساد فی الارض فی برّکان اوفی بحر، فی مصر او غیره لیلاً او نهراً»... محارب کسی است که سلاح خود را آماده می سازد و به ترساندن مردم و سلب امنیت و ایجاد فساد در جامعه می پردازد خواه در صحرا، یا دریا، و یا شهر و یا در جاده ها باشد، خواه شب باشد یا روز، زن باشد یا مرد، در همه حالات محارب نامیده می شود و احکام محاربه بر او اجرا می گردد (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۹۲). از آنجا که قانون مجازات اسلامی (بر مبنای اصل چهارم قانون اساسی) مبتنی بر فقه اسلامی است، قانونگذار در ماده ۲۷۹ ق. م. ا شرایط محاربه را در قالب تعریف بیان می دارد. در این ماده آمده است، محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد... . از آنچه بیان شد قدر متیقن در شروط تحقق جرم محاربه از نگاه فقهاء و قانون مجازات اسلامی عبارت است از: ۱- تجرید سلاح گستاخانه (رکن مادی) ۲- قصد اخافه و ایجاد رعب و وحشت برای مردم (رکن معنوی) ۳- ماده ۲۷۹ ق. م. ا (رکن قانونی). که در ادامه با توجه به این سه رکن اساسی، صوری را، با هدف تبیین مصادیق جرم محاربه با قاچاقچی مسلحانه مواد مخدر بیان می کنیم. تا معلوم گردد مجازات اعدامی را که قانونگذار در ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر بیان کرده، بر کدام یک از این صور قابل انطباق است.

بررسی صور احتمالی قاچاق مسلحانه مواد مخدر

صورت اول: قاچاقچی مواد مخدر در شهر برای مقابله با نیروهای مبارزه کننده با مواد مخدر سلاح می کشد و گاهی برای نجات جان خود، اقدام به گروگان گیری از مردم، ویا تیراندازی به مردم به منظور

موجب کردن نیروهای امنیتی و به دنبال مفری است، و ای بسا در مواردی برای تنبیه مردمی که در اطلاع رسانی نیروهای امنیتی همکاری کرده اند اقدام به تیراندازی به سوی آنها بنماید. بنابراین قصد اخافه را نیز دارد و به دنبال آن محیط ناامن می شود. قبل از بررسی صورت فوق این توضیح لازم است که بر خلاف قواعد اخلاقی که ناظر به وجدانهاست و از این رو هر گونه فکر و تفکر زشت و ناپسند را مزمتم می کند، حقوق جزا مبتنی بر اصولی است که حاکم بر رفتار و کردار انسانها می باشد، و برای حفظ و صیانت جامعه بشری تدوین شده است. (اردبیلی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۸) حقوق جزا پندار و تفکر نکوهیده و قصد سوء را مادامی که آشکار نشده و توسط اعضاء و جوارح به منصفه ظهور نرسیده، مجازات نمی کند. بنابراین برای اینکه رفتاری جرم تلقی گردد و قابل پیگیری و مجازات باشد، باید آشکار گردد، و صرف قصد بر فعل ناپسند کفایت نمی کند، دلیل این امر هم این است که اگر سیستم کیفری کشوری بخواهد به صرف قصد ارتکاب جرم افراد را تحت تعقیب و مجازات قرار دهد، لازمه آن تجسس در اعماق وجدان افراد است و افراد بدون اینکه برای جامعه خطرناک باشند مجازات شوند (علی آبادی، ۱۳۸۵، ص ۵۶). همچنین مطابق ماده ۶ قانون مجازات اسلحه و مهمات^۴، حمل و استفاده از سلاح بدون مجوز جرم می باشد. بنابراین حمل سلاح در صورت فوق ناظر به تحقق عنصر مادی جرم خواهد بود. اما صرف حمل سلاح را نمی توان در تحقق جرم محاربه کافی دانست، بلکه علاوه بر حمل باید آن را آشکار و علنی کند، چرا که اگر به صورت مخفیانه باشد، باعث رعب و وحشت بیم مردم نمی گردد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۲) همچنین علاوه بر تحقق عنصر مادی باید عنصر معنوی جرم محاربه، که همانا قصد اخافه مردم است نیز محقق شود. زیرا برای آنکه بتوان جرمی را منتسب به فردی کرده و او را در برابر انجام آن مجازات کرد باید عمل مزبور از اراده مرتکب ناشی شده باشد؛ در واقع باید میان عمل و شخص عامل رابطه روانی (یا رابطه ارادی) موجود باشد که آن را عنصر روانی یا معنوی می نامند (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۷۹). به

^۴ . با توجه به ماده ۶ قانون مجازات اسلحه و مهمات، هر کس به طور غیر مجاز سلاح گرم یا سرد جنگی یا سلاح شکاری یا قطعات موثر یا مهمات آنها را خریداری، نگهداری یا حمل کند یا با آنها معامله دیگری انجام دهد به ترتیب زیر به حبس تعزیری محکوم می شود:

عبارتی برای تحقق عنصر روانی در جرائم عمدی باید قصد مجرمانه وجود داشته باشد. قصد مجرمانه عبارت است از تمایل و توجه ارادی مجرم به ارتکاب عمل مجرمانه برای حصول نتیجه حاصل از آن. (ولیدی/۱۳۸۸/۲۲۸). قدر مسلم این است که شالوده و اساس هر نوع رفتار را اراده تشکیل می‌دهد و اندیشه مجرمانه تا زمانی که به وصف اراده قرین نگشته و تجلی ظاهری نیافته است، نمی‌تواند منشاء هیچ اثری در حقوق کیفری باشد. در کلیه جرائم اعم از عمدی یا غیر عمدی، اراده ارتکاب فعل وجود دارد و قانون‌گذار فقط رفتارهای ارادی را کیفر می‌کند. (اردبیلی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷) .. بنابراین در صورت فوق علاوه بر حمل غیر مجاز سلاح، از یک سو عنصر مادی (تجرید سلاح) و معنوی (قصد اخافه) جرم محرز است و از سوی دیگر، طبق بند اخیر ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، اعمال فوق ناامنی محیط را به دنبال داشته است. پس با توجه به تحقق شروط جرم محاربه (تجرید سلاح، قصد اخافه، ناامنی محیط) فرد مذکور مصداق محارب خواهد بود. از سخنان فقهای چون شیخ طوسی و امام خمینی (که پیش از این بیان شد) نیز بر می‌آید که قاچاقچی مواد مخدر هر گاه سلاح بکشد و قصد ترساندن و سلب امنیت مردم را داشته باشد و به دنبال آن محیط را ناامن کند محارب محسوب می‌شود حال فرقی ندارد اعمال فوق را در بیرون شهر انجام دهد و یا داخل شهر. (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۰۹ و خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۹۲).

صورت دوم: قاچاقچی مواد مخدر در داخل شهر سلاح می‌کشد و قصد او ایجاد خوف و هراس در بین مردم است برای اهداف خاص، اما محیط مذکور به دلایلی مثل وجود نیروهای انتظامی در منطقه و یا قدرت بالای مردم منطقه و یا عادی شدن آن وضعیت برای آنها و علل دیگر، دچار ترس و وحشت نمی‌شوند و اعمال آنها در رفتار عادی مردم هیچ اثری ندارد و از این رو محیط ناامن نمی‌شود. در صورت فوق بسیاری از فقهاء صرف کشیدن سلاح و قصد اخافه را در تحقق جرم محاربه کافی می‌دانند، از این رو در تعریف محارب می‌نویسند: المحارب، کل من جرّد السلاح لاخافه الناس. (محقق حلی، ۱۹۸۳: ۴، ۱۸۰ / نجفی، ۱۳۶۸: ۴۱، ۵۶۴ / ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۳، ۵۰۵ / فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۵۱/

حلی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۹۲ / عاملی، ۱۴۱۷، ج ۲ ص ۵۹ / شهید ثانی، ۱۳۸۷، ج ۹ ص ۱۶۷ / طوسی، ۱۴۰۸، ج ۱، ۲۰۶ / منتظری، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۵۷). بنابراین طبق دیدگاه اکثر فقهاء، چنانچه شخصی به قصد اخافه سلاح بکشد، اما محیط ناامن نشود، جرم محاربه محقق می گردد و بر این اساس، در صورت فوق از آنجا که قاچاقچی مواد مخدر و لو برای دفع و رفع موانع احتمال، به قصد اخافه تجرید سلاح کرده، محارب محسوب می شود، اگر چه محیط ناامن نشده است، برخلاف دیدگاه این گروه از فقهاء، قانون مجازات علاوه بر تجرید سلاح و قصد اخافه، ناامنی محیط را نیز شرط می داند.^۵ لذا اگر شخص تنها به قصد اخافه سلاح بکشد، عمل وی از جهت قانون جرم محسوب می شود، اما نه جرم محاربه، زیرا محیط ناامن نشده است، لذا مجرم باید مجازات متناسب جرم خود را بر مبنی اصل تناسب بین جرم و مجازات متحمل شود. در اینجا صورت دیگری نیز قابل فرض است و آن در جایی است که، فرد به علت قدرت بدنی بالایی که دارد از اسلحه استفاده نمی کند، اما به گونه دیگری برای مردم ترس و ناامنی ایجاد می کند. در صورت فوق باید توجه داشت که برخی فقهاء در شرط دانستن تجرید سلاح تردید کرده اند که نخستین فقیه شیعه که به صراحت در شرط سلاح اظهار تردید کرده است شهید ثانی می باشد. ایشان در کتاب ارزشمند الروضه البهیة می نویسد: شرط دانستن استفاده از سلاح توسط شهید اول به تبعیت از اخبار می باشد و گر نه اجود و بهتر این است که این امر را شرط ندانیم بلکه به استناد عموم آیه (۳۳ سوره مائده) حتی استفاده بالقوه از سلاح (مانند تهدید) نیز کافی باشد. (شهید ثانی، بی تا، ۹، ۲۹۲). صاحب جواهر نیز پس از اشاره به قول شهید ثانی آن را خالی از وجه و قوت نمی داند اما به خاطر شاذ بودن آن نظر مشهور را ترجیح می دهد (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱، ۵۶۶). علامه حلی نیز از معدود فقهای است که استفاده از زور را به قصد اخافه مردم در تحقق محاربه کافی می داند، و از نظر ایشان محاربه چه با اسلحه و چه بدون آن محقق می دانند. (حلی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۶۵) لذا بنا بر دیدگاه این فقهاء اگر تجرید سلاح را شرط تحقق جرم محاربه ندانیم، در فرض اخیر نیز محاربه صدق می کند. اما بنا بر قانون مجازات اسلامی که، ناامنی محیط را در

^۵. محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط شود.

تحقق محاربه شرط می داند، در این فرض چون عمل قاچاقچی محیط را ناامن نکرده است، محارب محسوب نمی گردد، بر همین اساس در ادامه این ماده آمده است: هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.

صورت سوم: قاچاقچی مواد مخدر در شهر سلاح می کشد اما قصد اخافه مردم را ندارد و به طور اتفاق محیط ناامن می شود. توضیح این که قاچاقچی مواد مخدر در داخل شهر با نیروهای مبارزه کننده با مواد مخدر درگیر می شود با قصد دربردن مواد مخدر مورد نظر، اما با مردم کاری ندارند ولی به علت تیراندازی صورت گرفته ترس و وحشت مردم را فرا می گیرد و آسیب های روحی روانی و احساس ناامنی بر جامعه حاکم می گردد. در تفسیر این صورت لازم به توضیح است که، در اصطلاح فقهاء و ادباء لام موجود در «الإخافه الناس» لام تعلیل است؛ یعنی کشیدن سلاح برای ترساندن و ناامن کردن مردم. پس در عنصر معنوی جرم که همان قصد إخافه است، اگر قید دیگری جایگزین گردد (چنان که در صدر ماده ۲۷۹ ق م ا جانشین شده و گفته شده به قصد جان، مال، یا ناموس مردم...) وصف مجرمانه محاربه صدق نمی کند، چرا که صدق و تحقق معلول به تحقق علت آن وابسته است (سالارزائی و افروشته، ۱۳۹۷، ص ۷۱). برخی از فقهاء همچون صاحب جواهر نیز ماهیت محاربه را "قصد الإخافه"، می داند به گونه ای که اگر شخص قصد اخافه نداشته باشد محارب نیست اگر چه خوف نیز ایجاد شده باشد (نجفی، ۱۲۶۶، ج ۴۱، ص ۵۶۶).^۶ بنابراین اگر ما بخواهیم سخنان فقهاء را در تفسیر و تحقق محاربه ملاک قرار دهیم بدون شک قاچاقچی مواد مخدر که حمل سلاح می کند تا در موارد ضروری مثلاً هنگام درگیری با مأموران مورد استفاده قرار دهد و یا به عبارتی به قصد دفاع از خود حمل سلاح می کنند و قصدی در ترساندن مردم ندارد داخل در عموم آیه قرار نمی گیرد.

^۶ «... المدار فی المحاربه علی قصد الإخافه، فلو اتفق خوفهم منه من غیر ان يقصده فلیس محارب، كما أنه محارب مع القصد المزبور و ان لم يحصل معه خوف منه»

صورت چهارم: قاچاقچی مواد مخدر در شهر با نیروهای نظامی و امنیتی درگیر می شود بنابراین سلاح می کشد اقدام به تیراندازی می نماید، اما قصد اخافه مردم را ندارد و مردم نیز از این درگیری مسلحانه بین دو طرف هیچ گونه ترس و هراسی ندارند، بنابراین محیط هم ناامن نمی شود. این صورت همان گونه که روشن است، فاقد عنصر معنوی و عنصر قانونی جرم است و تنها عنصر مادی که تجرید سلاح است محقق شده است، و اگر به تعاریف فقهاء توجه کنیم معلوم می گردد که آنان صرف کشیدن سلاح را در تحقق جرم محاربه کافی نمی دانند، شهید ثانی نیز که در روضه البهیه به این امر اشاره کرده در کتاب مسالک الافهام از این دیدگاه خود برگشته است و قصد اخافه را شرط می داند (ر.ک شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۲۹۰ و بی تا، ج ۱۵، ص ۵) بنابراین علاوه بر آن باید قصد اخافه نیز وجود داشته باشد. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۳، ۵۰۵ / فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۵۱ / حلی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۹۲). قانون مجازات نیز علاوه بر کشیدن سلاح، قصد اخافه و ناامنی محیط را در تحقق جرم محاربه شرط می داند. لذا در این صورت قاچاقچی مسلحه ای که تنها سلاح کشیده، محارب محسوب نمی شود و تنها باید مجازات متناسب با جرم خود یعنی حمل مواد مخدر و حمل سلاح بدون مجوز را متحمل گردد.

صورت پنجم: قاچاقچی مواد مخدر در خارج از شهر با نیروهای مبارزه کننده با مواد مخدر درگیر می شود. لذا سلاح می کشد و بین دو طرف تیر اندازی صورت می گیرد. در این بین قاچاقچیان برای رهایی از دست مأمورین با قصد اخافه اقدام تیر اندازی به ماشینهای عبوری و ترساندن مردم می کنند و یا به واسطه انتشار خبر درگیری، مردم دچار وحشت و هراس می شوند. در این حالت همان طور که پیش از این بیان شد، از سخنان فقهاء و قانون مجازات برمی آید هرگاه شخص سلاح بکشد و قصد اخافه را نیز داشته باشد جرم محاربه محقق می شود (حلی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۹۲ / عاملی، ۱۴۱۷، ج ۲ ص ۵۹ / شهید ثانی، ۱۳۸۷، ج ۹ ص ۱۶۷ / طوسی، ۱۴۰۸، ج ۱، ۲۰۶) و مطابق با ماده ۲۷۹ ق.م.ا به دنبال این اقدام محیط

هم ناامن شود^۷ جرم محاربه محقق می گردد و فرقی نمی کند در شهر باشد و یا خارج از شهر... (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۹۸ و قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۱۴) لذا در صورت فوق، قاچاقچی مسلحانه، از آنجا که همه شروط تحقق جرم محاربه را که فقهاء و قانونگذار به آن اذعان کرده اند را داراست، محارب محسوب می گردد.

صورت ششم: قاچاقچی مواد مخدر در خارج از شهر با نیروهای نظامی درگیر می شود و برای مقابله با آنها تیراندازی می نمایند و قصد اخافه مردم را دارد، اما عمل آنها باعث ترس و وحشت مردم شهر نمی شود و لذا محیط نیز ناامن نمی گردد. در این صورت نیز همانند صورت قبل، لازم به ذکر است که مشهور فقهاء تحقق جرم محاربه را در شهر و یا خارج شهر در صورت وجود ارکان سه گانه جرم محاربه، یکسان می دانند. لذا چنانچه شروط سه گانه مورد بحث یعنی، تجرید سلاح، قصد اخافه و ناامنی محیط محقق شود، جرم محاربه نیز محقق می شود. به عبارتی دیگر با تحقق موضوع حکم، حکم نیز اتوماتیک وار بر آن حمل می شود. که در صورت فوق، همان طور که پیداست، تنها دو شرط تجرید سلاح و قصد اخافه تحقق یافته است اما محیط ناامن نشده و از آنجا که طبق قانون مجازات اسلامی جرم محاربه، جرمی مقید به نتیجه هست، با محقق نشدن نتیجه، محاربه نیز محقق نمی شود. بنابراین در این حالت نیز قاچاقچی مسلحانه مواد مخدر محارب محسوب نمی شود و تنها مجازات متناسب با جرم ارتكابی (غیر از محاربه) خود را متحمل می گردد.

صورت هفتم: قاچاقچی مواد مخدر در خارج از شهر با نیروهای نظامی و امنیتی درگیر می شود. اما قصد او ایجاد خوف و هراس در بین مردم نیست و صرفاً جهت مقابله با نیروهای مبارزه کننده با مواد مخدر می باشد. اما بواسطه انتشار خبر آن ترس و وحشت مردم شهر را فرا می گیرد. مثلاً فرد قاچاقچی تنها قصد عبور محموله خود را دارد بدون اینکه بخواهد به روی کسی سلاح بکشد و یا محیط را ناامن

^۷ محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد.

کند اما به طور اتفاقی محیط ناامن شود مثلاً مردم خود به خود وقتی بفهمند که فرد قاچاقچی است به خاطر ذهنیت بدی که از قاچاقچیان دارند رعب و وحشت در بین آنها ایجاد شود. در این صورت نیز همانند صورت قبلی تنها دو شرط از شروط جرم محاربه محقق شده است با این تفاوت که در اینجا عنصر معنوی یعنی قصد اخافه وجود ندارد. لذا در این حالت نیز به علت نبود همه شرایط تحقق جرم محاربه قاچاقچی مسلحانه مواد مخدر منطبق با قانون، محارب نخواهد بود و احکام محارب بر او بار نمی شود.

صورت هشتم: قاچاقچی مواد مخدر در خارج از شهر درگیری مسلحانه دارد و این در راستای کار قاچاق

است و هیچ گونه قصدی برای ترساندن مردم ندارد و اتفاقاً مردم هم از آن درگیری به وحشت و هراس نیفتند. در این حالت همان طور که مشخص است همانند صورت چهارم مجرم تنها اقدام به کشیدن سلاح کرده است اما برخلاف صورت چهارم این تجرید سلاح خارج از شهر بوده است که تا اینجا در تحقق جرم محاربه هیچ فرقی وجود ندارد. یعنی بنا بر دیدگاه فقهاء سلاح کشیدن چه در شهر باشد و چه خارج از شهر، شرطی از شروط تحقق جرم محاربه اتفاق افتاده است. (طوسی، ۱۳۶۲، ص ۴۹۰ و خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۹۲). اما از سوی دیگر به علت نبودن عنصر معنوی و عنصر قانونی، یعنی قصد اخافه و ناامنی محیط - که قانون مجازات و برخی از فقهاء آن را شرط وجود جرم محاربه می دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۹۸؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۴) - تحقق جرم محاربه ناتمام باقی مانده است لذا نمی توان قاچاقچی مسلحانه مواد مخدر مطابق با قانون، محارب محسوب نمی شود و در این حالت نیز تنها از جهت حمل مواد مخدر و حمل سلاح محکوم خواهد بود و باید مجازات متناسب را متحمل گردد.

تفسیر مضیق و به نفع متهم

در یک نگاه کلی با لحاظ این دو نهاد کیفری که مبتنی بر سیاست کیفری و بر پایه حدیث "ادءوا الحدود بالشبهات"^۸ می باشد، قاچاقچی مواد مخدر مسلح را به عنوان محارب تلقی کردن، قابل مناقشه است. هر چند ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی بر خلاف سیاست کیفری مذکور مقرر داشته: راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه ها شوند محاربند. اما عروض شبهه، با توجه به مجازات سنگین و گاه منجر به سلب حیات محارب، مصداق سازی قاچاقچی مواد مخدر مسلح را به عنوان محارب به جدّ مخدوش می گرداند.

نتیجه گیری

اقتضای اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها این است که قانون گذار از قبل جرایم و مجازاتها را معین، و در قالب متن متبلور سازد، لذا هیچ جرمی بدون وجود قانون وجود نخواهد داشت، پس عنصر قانونی حکایت دارد از این که هیچ عملی را هر چند زشت و ناپسند و مذموم باشد، نمی توان جرم دانست مگر آنکه قانون گذار آن را جرم شناخته باشد (شامیانی، ۱۳۸۴، ۲۳۶). از این رو قانونگذار در ماده ۲۷۹ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته: محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. بنابراین برای اینکه عنوان محارب بر شخصی صدق کند باید علاوه بر سوءنیت عام که همان عمد در کشیدن سلاح است، سوءنیت خاص که قصد اخافه و تعرض به جان، مال، یا ناموس مردم است نیز داشته باشد. بنابراین در صور هشت گانه صورت سوم، چهارم، هفتم و هشتم به علت نبود عنصر سوءنیت عنوان محارب بر قاچاقچی مواد مخدر قابل صدق نیست. همچنین از عبارت "به نحوی که موجب ناامنی در محیط شود" معلوم می گردد که محاربه جرمی است مقید به نتیجه به این صورت که تنها رفتاری که علاوه بر داشتن عنصر سوء نیت (عام و خاص) ناامنی

^۸ . وقال رسول الله (صلى الله عليه وآله): "ادروا الحدود بالشبهات، ولا شفاعاً ولا كفالة ولا يمين في حد" (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۷۴)

در محیط را نیز به دنبال داشته باشد آنگاه محاربه تحقق می یابد. به همین خاطر قانونگذار در ادامه ماده ۲۹۷ می نویسد: " کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود محارب محسوب نمی شود. لذا در صورت دوم، چهارم و ششم نیز چون نتیجه که رکن اصلی تحقق جرم محاربه است محقق نشده، عنوان محارب بر قاچاقچی صدق نمی کند. چرا " کشیدن سلاح " به معنای استفاده و شلیک کردن آن نیست و تنها آنچه مهم است سلب امنیت مردم است. (میرصادقی،؟، ۴۹). بنابراین آنچه باقی می ماند صورت اول و صورت پنجم می باشد که دارای همه شرایط تحقق جرم محاربه می باشند. و لذا مجازات محارب بر او صدق می کند. این در حالی است که در ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر به طور مطلق آمده است: "مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملاء عام اجرا خواهد شد".

پیشنهاد می شود قانونگذار محترم صور مطرح شده در این پژوهش را مد نظر قرار دهد و متناسب با آن نسبت به تدوین قانون اقدام نماید.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ج ۱، ص ۳۰۲، ۱۴۱۴ق
۲. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰
۳. بیاد، جهانبخش، پورمند سینایی، فاطمه اقدامی، **مبانی فقهی و حقوقی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر**، فصلنامه علمی دانش انتظامی کهگلویه و بویراحمد، شماره ۱۳، صص ۱- ۲۴، ۱۳۹۲

۴. حلی، مقداد ابن عبدالله، **التنقیح الرائع لمختصر الشرائع**، محقق/مصحح سید عبدالطیف حسینی کوه کمری، قم، انتشارات مکتبه آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴
۵. حبیبی تبار، جواد و ضامن علی حبیبی، **مبانی فقهی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر**، مجله فقه، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۷۸-۱۰۹، ۱۳۹۳
۶. حسین آبادی، باقر، **بررسی ماهیت مجازات اعدام در جرایم قاچاق مواد مخدر**، فصلنامه مطالعات مبارزه با مواد مخدر، دوره ۷، شماره ۲۴-۲۵
۷. سالارزائی، امیرحمزه، جمیله افروشته، **تحلیل تفکیک بین محاربه و افساد فی الارض در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲**، مجله جستارهای فقهی و اصولی، سال ۵، شماره ۱۴، صص ۱۶۷-۱۸۹، ۱۳۹۷
۸. شامیاتی، هوشنگ؛ **حقوق جزای عمومی**، تهران، انتشارات ژوبین، چاپ نهم، جلد دوم، ۱۳۷۴
۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی، **الروضه البهیة فی شرح اللمعة لدمشقیه**، قم، داوری، ۱۴۱۰
۱۰. _____، **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**، انتشارات معارفه الاسلامیه، بی تا
۱۱. صلح جی، محمد علی، شهریار نصیری، **مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران بر اساس موازین حقوق بین المللی بشر، حذف یا ابقاء**، دو فصلنامه علمی حقوق بین الملل، دوره ۳۵، ش ۵۹، ۱۳۹۷
۱۲. صدوق، محمد بن علی؛ **من لا یحضره الفقیه**، محقق: علی اکبر الغفاری، قم، جماعه المدرّسین فی الحوزة العلمیة

۱۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ سوم، ج ۳، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش،
۱۴. طوسی، ابن حمزه، **الوسیلہ الی نیل الفضیلہ**، تحقیق شیخ محم الحسون، چاپ اول، قم، مکتبه آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸
۱۵. علی آبادی، عبدالحسین، **حقوق جنایی**، چاپ چهارم، ج ۱، انتشارات فردوسی، تهران ۱۳۸۵.
۱۶. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله؛ **کنز العرفان فی فقه القرآن**، تحقیق سیدمحمد قاضی، چاپ اول، ج ۲، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ق،
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ **کتاب العین**، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق، چاپ دوم، ج ۳، ص ۲۱۳
۱۸. قرشی، علی اکبر، **قاموس القرآن**، ج ۶، ج ۲، تهران، دارالکتب الإسلامیة
۱۹. قمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۸
۲۰. کاظمی، جواد بن سعید؛ **مسالك الأفهام الی آیات الأحکام**، چاپ دوم، ج ۴، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۵ ش،
۲۱. کلانتری خلیل آبادی، عباس، نفیسه متولی زاده نائینی، صدیقه گلستان رو، **نقدی فقهی بر تعیین مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر**، مجله فقه و اصول، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۲۷-۱۴۶، ۱۳۹۷
۲۲. گلدوزیان، ایرج؛ **بایسته های حقوق جزای عمومی**، ج ۱۲، تهران، میزان، ۱۳۸۴
۲۳. معلوف، لوئیس، ۱۳۶۴، **المنجد فی اللغة الاعلام**، چاپ دوم تهران، انتشارات اسماعیلیان
۲۴. مفید، محمد بن محمد، **المقنعه**، قم مؤسسه النشر الاسلامی، جامع مدرسین، ۱۴۳۰
۲۵. موسوی بجنوردی، سید محمد، فقه تطبیقی (بخش جزایی)، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷

۲۶. ولیدی، محمد صالح؛ **بایسته های حقوق جزای عمومی**، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸،

چ اول،

۲۷. نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، بیروت، دارالاحیاء التراث

العربی، ۱۴۰۴